

نشریه علمی فقه، حقوق و علوم جزا
مقاله پژوهشی، سال ششم، شماره ۲۱، پاییز ۱۴۰۰، صفحات ۹۹ تا ۱۱۶
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۱۲ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۷

بررسی بنیاد سیاسی و حقوقی رژیم غاصب اسرائیل و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

| علی نجفی قباق تپه* | گروه علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور استان البرز، واحد کرج، البرز، ایران.
| نازنین خادمی خوبانی | گروه علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور استان البرز، واحد ماهدشت البرز، ایران.
| رضا وزیرلو | گروه علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور استان البرز، واحد کرج، البرز، ایران.
| محمد بهاری | گروه علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور استان البرز، واحد کرج، البرز، ایران.

چکیده

ایران به دلیل ماهیت خاص سیاست خارجی نظام خود که دارای ویژگی خاصی در ماهیت و شیوه اجرا بوده باید کلیه تصمیمات خود را با اسلام تطبیق دهد. در عین حال سیاست خارجی ایران نیز نمی تواند بدون توجه به منافع ملی کشور، تصمیم گیری و اجرا شود. با این حال همچون تمام نظام های ایدئولوژیک برقراری پیوند میان ایدئولوژی و منافع ملی دغدغه اصلی سیاست گزاران کشور در طی ۴۳ سال گذشته بوده است. لذا عملکردش در صحنه سیاست خارجی متفاوت از رژیم های دیگر می باشد. در این مقاله تصمیمات و اقدامات دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران از محضر منافع ملی و ایدئولوژی بررسی می گردد. از آنجا که نظام جمهوری اسلامی بر مبنای ایدئولوژی اسلام و قانون اساسی مبتنی بر آن ایدئولوژیست مقایسه تطبیقی از عملکرد سیاست خارجی ایران در سه منطقه فوق الذکر صورت خواهد گرفت. و سوال اصلی این پژوهش که به روش توصیفی و تحلیلی می باشد این است که ایران چه واکنشی در مقابل این تهدیدات از خود نشان داده است؟ این رفتار در مقابل بحرانهای فوق مبتنی بر ایدئولوژی بوده است و یا منافع ملی؟ نتیجه اینکه اگرچه سیاست های امنیتی اسرائیل برای خاورمیانه تهدید به شمار می آید، به دلایلی، از جمله آسیب پذیری فزاینده اقتصادی ناشی از میلیتاریسم، وابستگی خارجی به قدرت های بزرگ فرامنطقه ای به ویژه آمریکا، درگیری های سیاسی، اقتصادی-اجتماعی داخلی، برجسته تر شدن نقش سیاسی و فعالیت های مسلحانه گروه های تروریستی، تضعیف و در نهایت برکناری دولت های غیرمردمی و اقتدار گرای غرب گرا در خاورمیانه، دولت نتانیاهو به اهداف راهبردی خود نخواهد رسید.

واژگان کلیدی: ساختار سیاسی، ایدئولوژی، اسرائیل، ایران، امنیت

* نویسنده مسئول: alinajafiem1@gmail.com

مقدمه

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ایران از یک متحد غرب به کشوری مستقل با ایدئولوژی برخاسته از بطن اسلام تبدیل شد. این امر، موجب شد ج.ا.ایران با شناخت تهدیدات واقعی، با ایدئولوژی صهیونیسم و رژیم اشغالگر، مقابله کند. با روی کار آمدن حزب لیکود که جزو احزاب تندرو یهودی است، ساختار حکومت کنونی رژیم اسرائیل در عرصه سیاسی، با هدایت نخست وزیر این رژیم (بنیامین نتانیاهو که از مخالفان سرسخت ایران در رسیدن به سلاح هسته ای است) ایران را مهمترین تهدید برای موجودیت و امنیت اسرائیل قلمداد می کند. اسرائیل را باید یکی از ایدئولوژیک ترین کشورهای دنیا محسوب نمود. بحث نژادپرستی اسرائیل نیز ملهم از ایدئولوژی خود برتر بینی قوم یهود است. ایدئولوژی، آنچنان در ساختار سیاسی اسرائیل در هم تنیده شده که این کشور را فاقد قانون اساسی نموده است. اسرائیل، قانون اساسی ندارد و مجموعه ای از قوانین که از قانون های عمومی، برتر است با عنوان قانون پایه بجای قانون اساسی، عملی می کند. قانون اول اسرائیل، تورات است. (رضاسعدت، ص ۲۱۶: ۱۳۹۱)

به لحاظ ایدئولوژی، مسئولین اسرائیل با ارجاع به بخش هائی از تفسیر فقهی تورات (تلمود) معتقد هستند که: «اگر کسی به قصد کشتن تو می آید، به پاخیز و در کشتن او پیش دستی کن!» که با استناد به این موضوع، مرتکب اقدامات خصمانه ی زیادی از جمله ترور دانشمندان هسته ای عراق، ایران و همچنین ترور رهبران حماس با دستور نتانیاهو در خاورمیانه شده اند. اسرائیل خود را قومی برتر می داند که بر دنیا حکومت خواهد کرد. که با این تفاسیر اگر از بعد ساختار سیاسی، حزب غالب دیگری بر اسرائیل حکوت نماید که دارای افکار ناسیونالیستی افراطی نداشته باشد باز هم بخاطر ایدئولوژی برتری قومیت اسرائیل و غصب نمودن زمین های مسلمانان در فلسطین توسط این رژیم که با ایدئولوژی و ساختار سیاسی ایران، عراق، محور مقاومت و کشور های مسلمان دیگر در تضاد می باشد اما در حال حاضر هم اسرائیل با تکیه بر سنت ائتلاف با پیرامون، با ایجاد صلح و عادی سازی روابط با کشورهای مسلمان از جمله امارات و بحرین و حضور در منطقه قفقاز و سعی دارد معادلات خاورمیانه را بر هم بزند تا قدرت های منطقه ای همچون ایران، روسیه و ترکیه را به چالش بکشد. که این سه بعد طبعاً به هر قدرتی جدیدی در منطقه واکنش نشان خواهند داد (پهلوانی، ۱۳۷۸: ۲۰۱)

ساختار سیاسی حکومت های جهان بطور کلی به دو شیوه عمده تقسیم می گردد:

۱- نظام های پادشاهی و اقتدارگرا (انگلیس و عربستان)

۲- نظام های دموکراتیک (ایران، آمریکا، افغانستان و..)

حکومت های دموکراتیک نیز به ۲ شیوه عمده به حکمرانی می پردازند؛ ۱- پارلمانی ۲- ریاستی ریاستی؛ مانند کشور ایران که نفر اول بعنوان رئیس جمهور قدرت را در دست داشته و با تشکیل کابینه (هیئت وزیران) به حل و فصل مسائل کشور می پردازد. در نظام پارلمانی، احزاب بعنوان تعیین کننده فرد اول مملکت نقش عمده دارند. دین منظور که حزب غالب در مجلس فرد اول کشور را که همان نخست وزیر است که نخست وزیر را هم رئیس جمهور که مقام تشریفاتی دارد

بعنوان مسئول اجرایی معرفی می نماید. رژیم صهیونیستی اسرائیل هم از شیوه ی پارلمانی جهت حکمرانی بهره می برد و در آن نخست وزیر دارای اختیار تام برای اجرای منویات حزب پیروز را داراست. (Alexandre, 1987: 48)

مبانی نظری

واقع گرای

واقع گرایی به صورت یک رویکرد نظری از اواخر دهه ۱۹۳۰ وارد عرصه بین الملل شد و در دهه ۱۹۶۰ به واسطه مسایل روانشناختی از سوی رفتار گرایان به چالش کشیده شد. اهمیت واقع گرایی این است که برای مدت طولانی این رشته با رفتار گرایی عجین شده است و اصولاً در شکل دادن به آن نقش بسیار موثری داشته است. (Rosina, 1964, 324-329). واقع گرایان دولت را باز یگر اصلی صحنه سیاست بین الملل تلقی می کنند و سازمانهای غیر حکومتی در چهار چوب روابط میان دولتها عمل می کنند. دولت بر خلاف سطح داخلی، در سطح خارجی در یک نظام فاقد اقتدار مرکزی با سایر دولتها در همزیستی به سر می برند و برای تامین امنیت و بازار و... با یکدیگر به رقابت می پردازند، ماهیت چنین رقابتی براساس بازی با حاصل جمع صفر تبیین می گردد. واقع گرایان ضمن تاکید بر منافع ملی براین اعتقادند که اصولاً از بین بردن غریزه قدرت صرفاً یک آرمان است اصولاً کل سیاست مبارزه ای برای قدرت تعریف می شود. (فلاحی، ۸۰، ۱۸۴)

واقع گرایان استدلال می کنند که آن سلسله قواعد اخلاقی و سیاسی که در سیاستهای داخلی به کار می رود لزوماً قابل اطلاق در عرصه بین الملل نیست. برخی واقع گرایان معتقدند در یک نظام خود یاری دولتها نمی توانند برای بقا خویش به ضمانت دولتهای دیگر متکی باشند. به واقع دفاع از خود بارزترین تجلی خودیاری است، اصل خود یاری نتیجه استقلال سیاسی دولتها است. از منظر واقع گرایی دولتها به هیچ اقتداری پاسخ گو نیستند بنابراین باید خود به دنبال تامین منافع خویش و حفظ خود باشند، پس منافع ملی براساس قدرت تعریف می شود. زیرا اگر دولتها توان کافی نداشته باشند برای تامین منافع خود با مشکل مواجه خواهند شد. این رویکرد مبتنی بر نقش مسلط نظام است که طی آن رفتار دولتها ناشی از شریط آشوب زدگی است ولی برخی بر این اعتقادند که نظام دولتها نتیجه منطقی سرشت قدرت طلبانه بشر است. آنها به تعارض در عرصه سیاست بین الملل تاکید دارند و معتقدند همکاری تا زمانی امکان پذیر است که به تامین منافع ملی کمک کند. یکی از مفاهیم مورد توجه واقع گرایان آنارشی است یعنی در چهارچوب نظام بین الملل قدرت فائده ای وجود ندارد، آنارشی چها چوب اجتماعی و سیاسی را که در آن نظام بین الملل به وقوع می پیوندد تعریف می کند، آنچه عرصه داخلی را از عرصه بین الملل متمایز می سازد نبود اقتدار جهانی است. (Waltz, 1919, 125)

ترورهای هدفمند علیه دانشمندان هسته ای ایران و منطقه:

۱- ترور تعداد ۷ نفر از دانشمندان هسته ای ایران: ترور شخصیت های هسته ای ایران به یک سلسله ترورهای هدفمند علیه دانشمندان هسته ای ایران در طی سالهای ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۰ گفته می شود. طی این عملیات مجید شهریاری، مصطفی احمدی روشن، مسعود علی محمدی، داریوش رضایی نژاد و رضا قشقایی فرد شهید شدند، اما فریدون عباسی دوانی از سوء قصد جان سالم بدر برد. عده ای از همراهان این افراد نیز کشته یا مجروح شدند. در سال ۱۳۹۹ با حمله ای مشابه، محسن فخری زاده نیز ترور شد و درگذشت. (متقی، ۱۳۸۲: ۹۲)

۲- ترور تعداد زیادی از دانشمندان هسته ای عراق و منهدم نمودن تاسیسات هسته ای «اوسیراک» عراق: عراق، هسته ی راکتور اوسیراک را از فرانسه خرید. در اصل قرار بود هسته ی راکتور در آوریل ۱۹۷۹ به عراق منتقل شود، اما مدتی کوتاه پیش از انتقال آن ها، در انباری که نگهداری می شد، انفجاری رخ داد. بنابراین انتقال هسته ای راکتور شش ماه به تعویق افتاد تا ترمیم شود. (انور علیوند، ۱۳۷۸: ۱۲۱)

البته این نخستین بار نبوده که اسرائیل دست به خرابکاری و ترور می زند. در اواخر دهه ۵۰ میلادی، مصر برنامه موشک بالستیک با کمک دانشمندان آلمانی به راه انداخت. در جولای ۱۹۶۲، جمال عبدالناصر رئیس جمهور دو آزمایش موشکی در یک رژه نظامی انجام داد و گفت که می تواند اهدافی نظیر «جنوب بیروت» را نشانه برود. موساد به سرعت با «عملیات داموکولوس» واکنش نشان داد، کارزاری برای ارباب که دانشمندان آلمانی را هدف گرفته بود. (سایت انتخاب، ۸ آذر ۱۳۹۹)

۳- ترور رهبران حماس شامل شیخ احمد یاسین و عبدالعزیز رنتیسی: ترور شیخ احمد یاسین رهبر حماس به دست نیروهای اسرائیل، که خبرگزاری فرانسه به نقل از رادیو اسرائیل اعلام کرده بود: «آریل شارون» نخست وزیر اسرائیل، شخصاً بر عملیات ترور شیخ احمد یاسین نظارت داشته است. پس از شیخ احمد یاسین رهبری حماس در داخل جنبش به رنتیسی سپرده شد. در حالی که رنتیسی تنها ۲۶ روز از پس از شیخ احمد یاسین رهبری حماس را بر عهده داشت، که در روز شنبه ۱۷ آوریل ۲۰۰۴، در نوار غزه توسط سازمان اطلاعات و امنیت داخلی اسرائیل (شاباک) با همکاری نیروی هوایی ارتش اسرائیل ترور شد. (Jame, 196: 58)

۴- اقدام بیوتروریستی علیه خالد مشعل از رهبران حماس: خالد مشعل از بنیانگذاران جنبش مقاومت اسلامی حماس به شمار می آید. از بدو تأسیس جنبش حماس عضو دفتر سیاسی آن بوده و در سال ۱۹۹۶ به عنوان رئیس این دفتر انتخاب شد. در ۲۵ سپتامبر ۱۹۹۷ در پایتخت اردن هدف عملیات تروریستی موساد قرار گرفت که این عملیات در پی تعقیب و دستگیری مأموران موساد توسط محافظ خالد مشعل به شکست انجامید.

۵- اقدامات جاسوسی از کشورهای مختلف از جمله متحدینش به ویژه آمریکا: که یکی از جاسوسان اسرائیل به اسم جاناتان پولارد که به جرم جاسوسی برای اسرائیل ۳۰ سال در آمریکا زندانی بود که در روز جمعه ۲۰ ام نوامبر آزاد شد و در روز چهارشنبه ۱۰ دی ماه همراه همسرش

وارد اسرائیل شد و بنیامین نتانیا هو، نخست وزیر اسرائیل، در فرودگاه بین المللی تل آویو از وی استقبال و به او و همسرش کارت شهروندی اسرائیل را عطا کرد. (ره پیک، ۱۳۷۸: ۲۵۵)

تاریخچه رژیم غاصب اسرائیل:

واژه تورات گاه بر کل عهد عتیق اطلاق می شود. به عقیده یهودیان، خداوند از طریق موسی کلیم الله، در کوه سینا این تعالیم را به بنی اسرائیل در پنج کتاب (سفر) ابلاغ کرده است. مسیحیان از تورات، با نام «عهد عتیق» یاد می کنند. (خسروی، ۱۳۷۹: ۱۸۸)

اسفار خمسه یا تورات، شامل پنج کتاب به شرح زیر:

- ۱- سفر پیدایش یا تکوین. شامل داستان آفرینش جهان، سرگذشت آدم و حوا، نوح، ابراهیم، لوط، اسماعیل، اسحاق، یعقوب (اسرائیل) و فرزندان اوست که با مرگ یوسف به پایان می رسد.
 - ۲- سفر خروج. داستان بردگی بنی اسرائیل در مصر، تولد و نبوت موسی (ع)، خروج بنی اسرائیل از مصر و سرگردانی آنها در بیابان است. ده فرمان یا احکام عشره در این کتاب آمده است.
 - ۳- سفر لاویان. شامل احکام دینی، شرعی، آداب عبادت و اوقات مقدس و اعیاد است.
 - ۴- سفر اعداد. شامل مسافرت بنی اسرائیل در بیابان و حوادث بین راه مصر و ارض موعود است.
 - ۵- سفر تثنیه. تکرار شرایع و فرمان های اسفار قبلی از زبان حضرت موسی (ع) خطاب به بنی اسرائیل و تعیین یوشع به رهبری بنی اسرائیل و در نهایت درگذشت موسی (ع).
- قرآن کریم ضمن تصدیق کتب موسی و عیسی (ع) و تاکید بر آسمانی بودن اصل این کتب، تصریح می کند برخی از بزرگان یهود و نصارا، به تحریف تورات و انجیل دست زده اند و کتب آسمانی را تغییر داده اند. این موضوع، در آیه ۷۵ سوره بقره آمده است: (گروهی از یهودیان، کلام خدا را می شنوند و تحریفش می کنند). همچنین در آیه ۴۶ نساء، ۱۳ مائده و ۴۳ آل عمران نیز هم.

تلمود (Talmud)

تلمود، نام کتاب تفسیر فقهی از تورات است. در واقع، تلمود، شریعت خواهی قوم یهود است که شبیه فقه و اصول اسلامی می باشد. برخی، تلمود را تورات شفاهی نیز می گویند. هر فرد یهودی به یکی از دو مشرب فکری زیر، تعلق دارد:

یا نگاه تلمودی به دین یهودیت دارد یا دین را از منظر قبلائی (عرفانی) می نگرد. اولی، ظاهرگرا و دومی باطن گرا است. نگاه عرفانی (قبلائی) و قرائت کتاب عرفانی (زوهر) در میان یهودیان ایران، طرفداران زیادی ندارد و یا اندک است و اغلب، جهت نوشتن شموت (ترکیب حروف عبری جهت تدوین حرز و برکت و نفرین و اثرگذاری بر دیگران) بسنده می کنند.

یهودیان اسپانیائی تبار را که پیرو یهودی مآبی بابلی هستند را سفارادی می گویند که به تمدن بابلی، تعلق خاطر دارند. اخیراً به اسپانیا و پرتغال یهودی، سفارادی اطلاق می شود. همچنین به یهودیت شرقی و سنتی نیز سفارادی می گویند.

یهودیان آلمانی تبار که پیرو یهودی مآبی فلسطینی هستند را اشکنازی می گویند که به اصل کشور اسرائیل، تعلق خاطر دارند. امروزه به یهودیان اروپای غربی و آمریکا، اشکنازی اطلاق می شود. همچنین به یهودیت غربی و مدرن، اشکنازی، گویند.

همان گونه که یهودیان کشورهای عربی خود را سفارادی می نامند، یهودیان اروپای شرقی نیز ترجیح می دهند خود را اشکنازی بنامند. هرچند هیچ گواه تاریخی در دست نیست که نشان دهد یهودیان از غرب آلمان به شرق قاره مهاجرت کردند، این واقعیت که یهودیان در لهستان و لیتوانی و روسیه به زبان یدیش حرف می زدند گویا ثابت می کرد که یهودیان اروپای شرقی در اصل یهودیان آلمانی - یهودیان اشکنازی بودند. (شلومو زند، ۳۸۰: چهارم ۱۳۹۸ (اول، ۱۳۹۷))

یهودیان میزراهی به یهودیان خاورمیانه، آسیای مرکز و قفقاز می گویند. یهودیان ایران، عراق، سوریه، افغانستان، بخارائی، گردی و گرجی و... جزو این یهودیان هستند. (جعفری، ۱۳۸۳: ۱۰۳)

دولت های باستان یهودی

اولین دولت بنی اسرائیل یا عبری ها توسط شائول (طالوت) در حوالی سال ۱۰۲۹ ق م در کنعان (فلسطین) پایه ریزی شده است.

دومین دولت یهودی نیز توسط داود نبی بعد از حکومت طالوت ایجاد شد. یهودیان، داود (ع) را نبی ندانسته و از او بعنوان پادشاه، یاد می کنند. سومین دولت یهودی نیز توسط سلیمان نبی (فرزند داود (ع)) تاسیس شده است. معبد سلیمان که اکنون تخریب و مسجدالاقصی بجای آن، ساخته شده را وی پایه گذاری نمود. (جعفری، ۱۳۸۳: ۸۵)

آئین عرفانی قبالا (کبالا) (kabalah)

اوج عرفان یهودی به قرن ۱۲ و ۱۳ میلادی (۶۵ هجری قمری) در اسپانیای اسلامی با مرکزیت شهر کاتالان بازمی گردد.

مهمترین مکتب عرفانی یهود را قبالا یا کبالا، می نامند. این مکتب و تفسیر سری و قلبی از کتاب مقدس بطور شفاهی توسط حضرت ابراهیم (ع) نقل شده و در قرون وسط (حوالی قرن ۷ میلادی) به قید کتاب درآمد و در قرن هجدهم، رونق یافت.

اوج مکتب قبالا، قرن ۱۲ و ۱۳ است که مهمترین متون قبلائی از جمله کتاب «زوهر» در این دوره نوشته شده است و دیگری کتاب «خلقت» که در قرن ششم نوشته است. (گرشوم شولم، ۱۵: ۱۳۸۵)

زوهر (Zohar)، مشهورترین و نافذترین کتاب میراث عرفان قبالا و عرفان یهودی است. در اصل عبری، زوهر به معنای ظهور است که مراد از آن به تعبیر عرفانی ظهور الهی است که مملو از جلال و جمال است و معنای انگلیسی آن، Splendor می باشد. این کتاب در سال ۱۲۷۵ توسط فردی بنام موسی دی لئون نوشته شده است. اکنون این کتاب در ۲۴۰۰ صفحه و ۵ جلد، منتشر می شود. (همان، ۲۱۹: ۱۳۸۵)

ابراهیم ابوالعفیاء، از معروفترین مشایخ قبائلی است که آثار مکتوب عرفانی زیادی دارد. وی متولد ۱۲۴۰ میلادی در ساراگوسای اسپانیاست. آموزه های نبوت گونه وی بعدها، دشمنان متعددی از یهودیت، پیدا کرد و مطرود یهودیان گشت. (گرشوم شولم، ۱۹۰:۱۳۸۵) او علم تلفیق حروف را روشمند برای مراقبه می دانست. لذا استنباط جادو از روش عرفانی وی کاملاً درست است. وی با جادوی حروف، قوای عظیم اسماء الهی را فرا می خوانده است. اسحاق لوریای، اشکنازی در اواسط قرن ۱۶ میلادی آئین قبالا را در فلسطین بسط داد. بگونه ای که پس از آن، آئین قبالا را به قبالی لوریائی می شناسند. (خسروی، ۱۳۷۹:۱۸۸)

آئین عرفانی مرکابا (Merkabah)

پیش از ظهور عرفان قبالا، عرفان اولیه یهودی، عرفان عرش یا مرکابا بود. آئین قبالا، بتدریج، جای مرکابا را گرفت.

مرکابا به معنای مرکب یا عرش است. از این دوره به دوره مکتب گنوسی یا هرِمسی نیز نام می برند. آئین گنوسی به اعداد و تاثیر آن تاکید دارد. دو کتاب «هخالوت اکبر» و «هخالوت اصغر» مربوط به این دوره عرفانی است. قیافه شناسی و کف بینی در عرفان هخالوت بعنوان یک موضوع سری میان مشایخ عرفانی مشخص گشت و عرفان مرکابائی به سمت جادو و امور سحرآمیز منحط گشت. (گرشوم شولم، ۹۸:۱۳۸۵)

بدین ترتیب یک فرد یهودی علاوه بر خواندن و تعلیم تلمود، می بایست به اسرار عرش الهی یعنی آئین مرکابائی نیز آگاه می گشت وگرنه کامل نمی شد. لذا خواندن هخالوت اکبر و کتاب خونخ در یهودیت مستحب موکد بود. (شلمو زند، ۱۳۸۸:۱۵۵)

تلفیق آئین سُکر و مستی با جادو و سرّ از خصایص عرفان مرکابائی بود.

نَهضت عرفانی حَسیدیسیم (Hasidism)

عرفان یهودی با جریان حَسیدیسیم، به جماعتی از یهودیان اطلاق می گشت که در برابر تمایلات هلینیستی، قد برافراشته و به اوج رسید. (گرشوم شولم، ۱۳۸۵:۱۸)

در زمانی که آئین قبائلی در قرن ۱۳ میلادی در اسپانیا پایان یافت، بتدریج، نهضت حَسیدیسیم در آلمان، پیروز شد.

حَسید به معنای تقوی و پارسائی است. بنیانگذار حَسیدیسیم، قدیس مشهور، «اسرائیل بَعَل شِم» است که در قرن ۱۶ میلادی ظهور کرد. (گرشوم شولم، ۳۹۹:۱۳۸۵) ایمان حَسیدی نیز در پی دلیل و نشانه ای برای شماره عددی کلمات در تورات است. این نوع نگاه ارزشی به حروف و اعداد در اسلام نیز وجود دارد و بعنوان علم العداد یا جِفر، در نزد فرقه حروفیه کاربرد داشته است. نسبت این علم را به ابن عربی، برشمرده اند (گرشوم، ۱۳۹۸:۶۹)

محیط امنیتی ژئوپلتیک

نقش محیط امنیتی ژئوپلتیک اسرائیل را با توجه به شرایط خاص تاریخی و جغرافیایی این واحد سیاسی بر تشدید دگر سازی در اسرائیل و گفتمان هویتی حاکم بر آن مورد بررسی قرار داده و در

این راستا به پردازش اجمالی دگر های اسرائیل در منطقه و سیاست امنیتی این رژیم پرداخته، و تأثیر آن بر سیاست خارجی این رژیم را مورد بررسی قرار داده است. با توجه به خاص بودن و بسته بودن جامعه اسرائیل که تحت سیطره گفتمان ایدئولوژیک جدا سازنده و غیریت ساز یهودیت افراطی قرار دارد از نظر جغرافیایی دارای ویژگی های متنوعی است. مرکز اقتصادی و علمی اسرائیل تل آویو است در حالی که مرکز حکومت آن در اورشلیم، شهری که اسرائیل آن را پایتخت خود می داند واقع است. اورشلیم بعنوان پایتخت این کشور توسط بیشتر کشورها به رسمیت شناخته شده است اما چندین کشور دیگر آن را به رسمیت نمی شناسد. با شکل گیری جنبش سیاسی صهیونیسم در سال ۱۸۹۷ و بیانیه بالفور ۱۹۱۷ میلادی، جامعه ملل، در پایان جنگ جهانی اول و پس از سقوط امپراتوری عثمانی، قیومیت بر فلسطین را به بریتانیا اعطا کرد. (سعادت، ۱۳۷۸: ۱۶۱)

اسرائیل عصر حاضر

در اواخر قرن ۱۹ میلادی، موج یهودی ستیزی در اروپا شکل گرفت که منجر به جنبش سیاسی تقابلی بنام صهیونیسم گردید. آرتور بالفور وزیر امور خارجه انگلیس، در نوامبر ۱۹۱۷ نامه ای برای یکی از صهیونیستهای بریتانیا نوشت که بعدها به بیانیه بالفور و در واقع سنگ بنای کشور اسرائیل معروف شد. در این نامه، بالفور از صهیونیستهای بریتانیا درخواست صبر و همکاری با انگلیس در راستای ایجاد کشور یهودی در فلسطین را داشت که البته ۳۰ سال بعد، این وعده، بوقوع پیوست. (Went.1987.132) ساختار نظام سیاسی اسرائیل، پارلمانی است. تأکید صهیونیسم بر تکثر احزاب در راستای ترمیم چهره نامشروع خود و دموکرات نشان دادن رژیم است. پارلمان اسرائیل، کِنست، نام دارد. احزاب، برای بدست آوردن کرسی های کِنست، رقابت انتخاباتی برگزار می کنند و حزبی که اکثریت کرسی ها را بدست آورد، دولت را تشکیل خواهد داد. در آخرین انتخابات که مارس ۲۰۲۰، برگزار شد، هیچ کدام از جریانات سیاسی، موفق به این امر نشده لذا، دولت فعلی (از حزب کار به رهبری نتانیا هو) بعنوان دولت موقت، اداره کشور را برعهده دارد. کِنست، دارای ۱۲۰ کرسی است. احزاب مسلمان و ضد صهیونیسم هم در کِنست، حضور و نماینده دارند. ۱۳ کرسی از کِنست فعلی را احزاب اسلام گرا، اشغال نموده اند. در زیر، نمونه هایی از احزاب متعدد و معروف پارلمان اسرائیل، آمده است.

نام حزب	رهبر	مرام
لیکود	بنیامین نتانیا هو	راست گرا
حزب کار اسرائیل	اسحاق هرتزوگ	سوسیال دموکرات
هاتنوعا	تسیبی لیونی	سوسیال دموکرات
کولانو	موشه کلحون	میانه رو
خانه یهود	نفتالی بنت	ارتدوکس مذهبی مدرن - راست گرا

اسرائیل خانه ما	آوگیدو لیبرمن	راست گرا
کادیم (قدیمه)	ایهود اولمرت	میانه رو
هدش	ایمن عوده	سوسیالیست-منافع اعراب
فهرست متحد عربی	مسعود غنیم	اسلام گرا-منافع اعراب
حزب بلد	جمال زهلکه	منافع اعراب - ضد صهیونیسم
تعل	ابراهیم سَرسور	منافع اعراب - سکولار

اولین نخست وزیر اسرائیل، دیوید بن گوریون بود و در زمان وی، اولین جنگ بین اعراب (مصر، سوریه، اردن، عراق) علیه اسرائیل به سال ۱۹۴۹ در گرفت.

نظام سیاسی اسرائیل:

سیاست در اسرائیل تحت سلطه احزاب صهیونیستی است. آنها بطور سنتی در سه اردوگاه قرار میگیرند، دو مورد اول: بزرگترین آنها؛ صهیونیسم کارگری، صهیونیسم تجدیدنظر گرانه و صهیونیسم مذهبی؛ همچنین چندین حزب مذهبی ارتدوکس غیر صهیونیستی، گروههای چپ غیر صهیونیستی و همچنین احزاب غیر صهیونیستی (شهروندان عرب اسرائیل) و ضد صهیونیستی در اسرائیل وجود دارند. نوع حکومت در اسرائیل جمهوری پارلمانی است. این کشور دارای نظام پارلمانی و حق رای عمومی است. در این کشور، رئیس دولت و کنست (پارلمان اسرائیل) به عنوان شاخه قانون گذاری عمل می کند.

در قانون اساسی کنست، بند ۷ الف، ۱۹۸۵ اینطور عنوان گردیده که فهرست نامزدها در انتخابات کنست شرکت داده نخواهد شد اگر اهداف یا اقدامات صریح یا ضمنی آن شامل یکی از موارد زیر گردد: (۱) نفی موجودیت دولت اسرائیل به عنوان دولت مردم یهودی؛ (۲) نفی ویژگی دموکراتیک دولت، (۳) تحریک نژاد پرستی (شلومو زند، ۳۸۹: چهارم ۱۳۹۸ (اول، ۱۳۹۷))

در اسرائیل احزاب بازیگران اصلی در صحنه سیاسی هستند، این احزابند که نوع زندگی [جهت گیری های سیاسی و اجتماعی در اسرائیل هستند. احزاب اصلی در اسرائیل اغلب سال ها پیش از تاسیس دولت به وجود آمده اند، بارها دچار ائتلاف و انشعاب شده اند که ائتلاف و انشعاب ها تاکنون نیز ادامه دارد. در اعلامیه تأسیس دولت اسرائیل در سال ۱۹۴۸ اینطور آمده است که؛ دولت اسرائیل ... توسعه ی کشور را به نفع همه ی ساکنانش پیش خواهد برد؛ دولت بر پایه ی آزادی و عدالت و صلح بدان گونه که پیامبران اسرائیل در نظر داشتند استوار خواهد بود؛ دولت برابری کامل حقوق اجتماعی و سیاسی همه ی ساکنانش را صرف نظر از دین و نژاد یا جنسیت تأمین خواهد کرد. (شلومو زند، ۳۸۹: ۱۳۹۸)

احزاب مهم در اسرائیل:

* **حزب کارگر:** در سال ۱۹۳۰ حزب مپای با ادغام دو حزب قدیمی کارگری تشکیل شد و در همان دهه به حزب مسلط در عرصه سیاسی این کشور بدل شد و در سال ۱۹۶۵ مپای با ائتلاف با حزب رافی حزب کارگر را تشکیل داد. حزب مپای و بعدها حزب کارگر از سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۷۷ به صورت ممتد حزب حاکم اسرائیل بود و افراد سرشناسی چون داوید بن گورین، شیمون پرز، اسحاق رابین از اعضای این حزب بودند. تعلقات ناسیونالیستی در حزب کارگر شدید نیست، این حزب طرفدار جدایی دین از سیاست و حزبی سکولار است.

* **حزب لیکود:** یکی از احزاب ناسیونالیست افراط گرای اسرائیل است، در گذشته با نام هروت (آزادی) فعالیت می کرده و در سال های ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۰ در روسیه ایجاد گردیده.

* **حزب مفدال:** در سال ۱۹۵۵ و از ائتلاف دو حزب میزراهی و اتحادیه کارگران مذهبی حزب مفدال با گرایش ملی - مذهبی ایجاد شد، مفدال دارای گرایش های مذهبی و ناسیونالیستی است، این حزب در اکثر دولت های ائتلافی اسرائیل حضور داشته و به عنوان یک حزب سیاسی شریک دولت شناخته می شود.

* **حزب شاس:** این حزب در ۱۹۸۴ توسط یک خاخام سیاسی به نام آریه دری تاسیس شد و یکی دیگر از احزاب مذهبی اسرائیل است، تعلقات ناسیونالیستی خاصی ندارد و بیشتر در پی اجرای قوانینی دین یهود در جامعه و گرفتن امتیاز برای مدارس دینی و طلاب است.

* **حزب مرتص:** از اتحاد ۳ حزب کوچک تر به نام های راز [مپام و شینووی به وجود آمد. مرتز طرفدار سرسخت آزادی مذهبی است و بر تکثرگرایی در جامعه اسرائیل تاکید دارد و از این رو در جامعه اسرائیل قطب مخالف شاس محسوب می شود. (شلومو زنده، ۳۸۹: ۱۳۹۸)

* **حزب کادیم:** این حزب توسط آریل شارون تاسیس شد.

* **حزب عرب:** در اسرائیل ۳ حزب عرب نیز فعالیت می کنند که متناسب با جمعیت هوادار خود، نمایندگان به کنست می فرستند.

* **حزب آبی و سفید:** یک اتحاد سیاسی در اسرائیل است که برای رقابت در انتخابات سراسری اسرائیل تشکیل شد. این اتحاد خود را یک حزب سیاسی تکثرگرا و میانه تعریف کرده است که همه بخش های طیف سیاسی و مذهبی اسرائیل را در بر می گیرد. نام این اتحاد از رنگ های پرچم اسرائیل برگرفته شده است. رهبران این اتحاد بنی گانتس و یائیر لاپید هستند و جمعی از نظامیان سیاستمدار اسرائیلی از جمله موشه یعلون و گبی اشکناز آنها را همراهی می کنند. در انتخابات سراسری اسرائیل در آوریل ۲۰۱۹ موفق به کسب ۳۵ کرسی کنست شد.

سیاست خارجی اسرائیل:

اسرائیل عضو رسمی سازمان ملل متحد است و در بسیاری از کشور های جهان، وابسته های دیپلماتیک دارد. در حال حاضر بیش از صد و شصت کشور جهان، اسرائیل را به رسمیت می

شناسند و با این کشور روابط کامل دیپلماتیک دارند. تمامی کشورهای غربی، بخشی از آمریکای جنوبی، آسیا و آفریقا نیز کشور اسرائیل را به رسمیت شناخته اند. شعبه بنیاد صلح بین المللی کارنگی در مسکو در مقاله ای تحلیلی به بررسی حدود و ثغور و الزامات سیاست خارجی رژیم صهیونیستی پرداخته است. سیاست خارجی رژیم اسرائیل در اکثر مواقع به اشتباه به حوزه ژئوپلتیکی آن تقلیل داده می شود. اگر چه منافع حیاتی تل آویو در خاورمیانه متمرکز است، اما منابع اقتصادی، سیاسی و لابی گری آن می تواند این رژیم را بعنوان یک قدرت منطقه ای با حوزه نفوذ جهانی معرفی کند. بنیاد کارنگی در تحلیل خود مکتب رئالیسم را سنت فکری غالب بر دستگاه سیاسی رژیم اسرائیل معرفی کرده است. (ره پیک، ۱۳۷۸: ۲۵۵)

جنگ های اسرائیل در خاورمیانه:

پس از ۷۰ سال از اشغال فلسطین توسط رژیم صهیونیستی، دو رویکرد مهم در مقابل این اشغال گری، وجود دارد:

رویکرد مقاومت و رویکرد سازش: رویکرد مقاومت و نفی ماهیت رژیم صهیونیستی پس از انقلاب اسلامی ایران و با رهبری امام خمینی (ع) شکل گرفت. در جریان مقاومت، علاوه بر ایران، کشور سوریه، حزب الله لبنان، گروه های «حماس» و «جهاد اسلامی» (در داخل سرزمین های اشغالی)، حضور دارند. اکنون نوار غزه، تحت کنترل حماس قرار دارد. نمایندگان جریان سازش، «سازمان آزادی بخش فلسطین»، سازمان فتح و «تشکیلات خودگردان فلسطین» به رهبری محمود عباس قرار دارد. این تشکیلات پس از امضای پیمان اسلو در سال ۱۹۹۴ بعنوان نماینده اعراب در مذاکرات، ایجاد و اکنون، کرانه باختری رود اردن را تحت کنترل دارد

۱- **جنگ عرب ها و اسرائیل در سال ۱۹۴۸ (۱۳۲۷):** جنگی است که اسرائیلی ها آن را "جنگ استقلال" یا "جنگ آزاد سازی" می نامند. فلسطینی ها معمولاً این جنگ و نبرد های بعدی را بعد از آن را "نکتب" می خوانند. این جنگ آغاز دشمنی عرب و اسرائیل را در پی داشت که تا به امروز نیز ادامه دارد.

۲- **جنگ کانال سوئز (۱۳۳۵):** بحران سوئز به اشغال مصدر در اواخر ۱۹۵۶ از یک سوی اسرائیل، و متعاقباً فرانسه و بریتانیا بود. اهداف آن باز پس گیری مجدد کنترل کانال سوئز و برکناری جمال عبدالناصر رئیس جمهور مصر از قدرت بود. پس از آغاز جنگ، ایالات متحده، اتحاد شوروی و سازمان ملل سه کشور اشغالگر را مجبور به عقب نشینی کردند. این حادثه بریتانیای کبیر و فرانسه را تحقیر و ناصر را تقویت کرد.

۳- **جنگ شش روزه (۱۳۴۶):** این جنگ از ۵ ژوئن تا ۱۰ ژوئن ۱۹۶۷ میان اسرائیل و کشورهای عربی مصر، سوریه و اردن رخ داد و با پیروزی مطلق اسرائیل پایان یافت و به تصرف بخشهایی از اراضی سه کشور عربی، توسط اسرائیل منجر شد. این نبرد با حمله هوایی ناگهانی اسرائیل به پایگاه های هوایی مصر آغاز و این کشور، موفق شد طی شش روز، نوار غزه و صحرای سینا را از کنترل مصر، شرق بیت المقدس و کرانه باختری رود اردن را از کنترل اردن و بلندی های جولان

را از کنترل سوریه خارج و ضمیمه خاک خود کند و وسعت اسرائیل را به سه برابر، فزونی دهد. یک میلیون عرب، پس از این جنگ، تحت حاکمیت اسرائیل درآمدند.

۴- جنگ یوم کیپور (۱۳۵۲): در ۶ اکتبر ۱۹۷۳ در شامگاه عید یوم کیپور (که در نزد یهودیان، مقدس بوده و این روز را با روزه گرفتن، جشن می گیرند)، ارتش سوریه و مصر، حمله غافلگیرکننده ای علیه اسرائیل، آغاز کردند. این جنگ تا ۲۵ اکتبر، ادامه یافت. ابتدا نیروهای مصری تا صحرای سینا پیشروی کردند اما پس از سه روز، اسرائیل با یورش وسیع، حمله را دفع کرد. سوریه نیز که حمله برق آسائی داشت با مقاومت و دفاع ارتش اسرائیل مواجه و مجبور به عقب نشینی شد. اسرائیل توانست مجدد بلندی های جولان را متصرف گشته و در نهایت با شکست نیروهای مصر، اردن و سوریه، افتضاح و تحقیر، نصیب اعراب گردید. خصومت مصر و اسرائیل با امضای پیمان صلح کمپ دیوید در سال ۱۹۷۸، پایان یافت و اسرائیل، صحرای سینا را به مصر پس داد و مصر نیز رسماً اسرائیل را بعنوان یک کشور مستقل، شناسائی نمود. (آکینز ۱۳۷۸: ۱۲۵)

۵- جنگ داخلی لبنان (۱۹۸۲ میلادی - ۱۳۶۱ ه.ش): یک جنگ داخلی چند وجهی بود که از سال ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۰ بطول انجامید و در حدود ۱۲۰۰۰۰ نفر تلفات برجای گذاشت. تا سال ۲۰۱۲ حدوداً ۷۶۰۰۰ نفر همچنان آواره بودند. بر اثر این جنگ همچنین یک میلیون نفر لبنان را ترک کردند. یکی از این درگیری های داخلی، درگیری در جنوب لبنان که نتیجه آن شکست دولت آزاد لبنان با پشتیبانی اسرائیل (۱۹۷۹-۱۹۸۳) و جایگزینی آن با ناحیه امنیتی اسرائیل (نواحی اشغالی جنوب لبنان) بود.

۶- جنگ اسرائیل و لبنان (۲۰۰۶ میلادی - ۱۳۸۵ هجری شمسی): جنگ اسرائیل و لبنان که در ارسارئیل به جنگ دوم لبنان و در لبنان به جنگ ژوئیه معروف است، جنگی است که به مدت ۳۳ یا ۳۴ روز بین ارتش اسرائیل و حزب الله لبنان به وقوع پیوست و دامنه آن شمال اسرائیل و سراسر لبنان را در بر گرفت.

۷- نبرد اسرائیل و غزه ۲۰۰۸-۲۰۰۹ (۱۳۸۷-۱۳۸۸): نبرد اسرائیل و حماس در غزه بخشی از نزاع عرب ها و اسرائیل است که از ۲۷ دسامبر سال ۲۰۰۸ تا ۱۷ ژانویه سال ۲۰۰۹ به طول انجامید. در اسرائیل با نام عملیاتی عملیات سرب گداخته و در میان اعراب با نام کشتار غه یاد می شود. از آنجا که اولین روز نبرد با بیشترین شمار کشته و زخمی فلسطینی در یک روز از سال ۱۹۴۸ تاکنون پایان یافت، این روز در میان بخشی از عرب ها به روز کشتار شنبه سیاه معروف شد. نتیجه این جنگ، پایان زمان آتش بس شش ماهه میان اسرائیل و حماس بود.

۸- درگیری های پراکنده با سوریه، لبنان و فلسطینیان (۲۰۰۹ تاکنون): اسرائیل در حال حاضر درگیر نزاع با فلسطینیان در سرزمین هایشان است. سرزمین هایی که از بعد از جنگ ۶ روزه ۱۹۶۷ به اشغال اسرائیل در آمده است و این به رغم امضاء قرارداد اسلو در ۱۳ سپتامبر ۱۹۹۳، مورد اختلاف می باشد. (جعفری، ۱۳۸۳: ۱۴۴)

دکترین ائتلاف با پیرامون:

یکی از سنت‌های دیرینه رژیم "ائتلاف با پیرامون" می باشد که در دهه ۱۹۵۰ شکل گرفت. دکترین ائتلاف با پیرامون بر پایه توسعه ارتباطات نزدیک با کشورهای مسلمان غیر عرب در منطقه خاورمیانه شکل گرفت. در آن مقطع ترکیه و ایران پیش از انقلاب اهداف این دکترین بودند. با گذر زمان، شرایط تغییر کرد. رفتار ترکیه در حال حاضر در اسرائیل غیر دوستانه تعبیر می شود و ایران نیز به مثابه یک تهدید جدی نگریسته می شود. بعلاوه با ظهور گروه داعش، وضعیت رژیم اسرائیل در منطقه بیش از پیش به چالش کشیده شده است. بنظر می رسد که در شرایط فعلی دکترین پیرامون که دیر زمانی بود از دستور کار خارج شده بود، مجدداً مورد توجه قرار گرفته است. با این تفاوت که این بار، هدف این دکترین یک منطقه است. منطقه هدف قفقاز می باشد. حضور تل آویو در قفقاز طی دهه اول قرن بیستم با تاسیس دوایر و ادارات مختلف از سوی وزارت خارجه رژیم اسرائیل در کشورهای مختلف آسیای میانه و قفقاز افزایش یافت که پس از جنگ اوستیای جنوبی در سال ۲۰۰۸، تل آویو برای امتناع از بوجود آمدن تعارض با مسکو، فعالیت های خود در گرجستان را کاهش داد. (سایت دیپلماسی ایرانی، ۹۳/۱۲/۱۷)

به نظر می رسد که با ادامه تلاش اسرائیل برای ارتباط برقرار کردن با کشورهای عربی، شرایط برای گسترش ایران هراسی مهیا می شود. اسرائیل که از سال ۱۹۴۸ میلادی درگیر نبرد و مخاصمه با کشورهای عربی است قصد دارد تا برای نیل به اهداف خود در راستای ایران هراسی به شرایط قبل پایان دهد این مساله یک چرخش آشکار در سیاست خارجی اسرائیل است. مقامات اسرائیلی در سال ۲۰۱۷ با یکی از ژنرال های بازنشسته ارتش سعودی در هتل شاه داوود دیدار کردند که این دیدار از سال ۱۹۴۸ بی سابقه بود. این تغییر سیاست در میان سایر کشورهای عربی هم دیده شد، به طوری که در ماه ژانویه هم وزیر انرژی اسرائیل با یکی از مقامات امارات متحده عربی دیدار و گفتگو کرد و دو طرف در مورد تاسیس یک مرکز تجاری اسرائیلی در ابوظبی به توافق رسیدند. (سمیرا ضرغامی خسروی و دیگران، ۱۶:۱۳۹۹)

رژیم غاصب و ایران :

علت دشمنی اسرائیل با ایران: پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ایران از یک متحد غرب به کشوری مستقل با ایدئولوژی برخاسته از بطن اسلام تبدیل شد. این امر، موجب شد ج.ا.ایران با شناخت تهدیدات واقعی با ایدئولوژی صهیونیسم و رژیم اشغالگر، مقابله کند. با همه موانع، ایران توانست نقش منطقه ای خود را احیا و با تشکیل ائتلاف فراگیری از کشورهای سوریه و حزب لبنان، جهاد اسلامی و جنبش حماس، در غرب آسیا، با اسرائیل مقابله کند. این محور، با تداوم مقاومت، زمینه ازدسازی جنوب لبنان در سال ۲۰۰۰ و نوار غزه در سال ۲۰۰۵ را فراهم آورده و همچنان به مقابله با رژیم صهیونیستی ادامه دهد. اقدامات محور مقاومت، سبب افول قدرت رژیم صهیونیستی شده و امروز ایران، به بزرگ ترین دشمن و تهدید علیه موجودیت اسرائیل تبدیل شده است. در مقابل، بنیامین نتانیاهو از مخالفین سرسخت دستیابی ایران به سلاح هسته ای است

و آن را مهمترین تهدید برای موجودیت و امنیت اسرائیل قلمداد می کند. (سایت خبرگزاری ایرنا ۹۹/۹/۸)

موساد و ترور:

سرویس اطلاعاتی اسرائیل، موساد نام دارد که تحت نظر نخست وزیر اسرائیل فعالیت می کند. یکی از کارویژه های اصلی و بارزترین خصوصیات موساد در سالهای اخیر، بحث ترور دانشمندان هسته ای ایران و رقبای اسرائیل در منطقه است. بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل، تاکید دارد دستگاه های اطلاعاتی اسرائیل باید همزمان از روشهای کهن و نوین، برای «کشتن هدفمند» (ترور) استفاده کنند. اگر از عوامل اطلاعاتی، مقامات یا قانون گذاران اسرائیل، بپرسند، توجیه شان برای سیاست کشتن هدفمند و این همه ترور، چیست؟ بیشتر آنان، همین «به پا خیز و در کشتن او پیش دستی کن» را بعنوان توجیه شرعی و اخلاقی آن ذکر می کنند. صهیونیستها حتی پیش از تأسیس اسرائیل نیز کشتن هدفمند، انجام می دادند. بعنوان نمونه، دو گروه شبه نظامی صهیونیست «گروه ایرگون» و «لحی» به رهبری مناخیم بگین، از کشتن هدفمند برای شتاب بخشیدن به فرایند پایان قیومیت بریتانیا بر فلسطین بهره جستند. (سعادت، ۱۳۹:۱۷)

سیاست خارجی جمهوری اسلامی : سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر چندین اصل استوار است که در عرصه بین المللی راهنمای رفتار و کنش سیاستگذاری های خارجی قرار می گیرند. بر اساس اسناد رسمی به ویژه قانون اساسی، بیانات امام خمینی و عملکرد رفتاری دولت های مختلف جمهوری اسلامی، بالاخص پس از سقوط دولت بنی صدر، می توان عنوان نمود که اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی عبارتند از: «نهی سلطه گری و سلطه پذیری»، «استکبار ستیزی»، «ظلم ستیزی»، «عدالت خواهی»، «حمایت از مستضعفان و محرومان»، «حمایت و دفاع از حقوق مسلمانان»، «همزیستی مسالمت آمیز و صلح طلبی»، «عدم مداخله در امور داخلی کشورها و احترام متقابل»، «تعهد به قراردادهای و تعهدات و قوانین بین المللی» و موارد این چنینی. (قنبرلو، ۱۳۸۷:۱۷۴)

در واقع، «حمایت و دفاع از حقوق مسلمانان به طور ضمنی مواجهه با کشورهایی که بنای ظلم علیه مسلمانان می نمایند، را مشخص نموده است که این مساله به طور آشکار در دیدگاه های جمهوری اسلامی ایران علیه دولت اسرائیل و اشغالگری آن دیده می شود. حمایت از مستضعفان و جنبش های آزادی بخش هم بطور مشخص بیان می کند که اسرائیل دشمن اصلی جمهوری اسلامی ایران می باشد» (سمیرا ضرغامی خسروی و دیگران، ۱۳۹۹:۹)

تعریف اسرائیل به عنوان خصم، منجر به تلاش اسرائیل برای یافتن راهی در راستای تضمین حداکثری امنیت ملی خود شده است که ایران هراسی نیز بخشی از این پروژه بلند مدت در منطقه و جهان است. (سمیرا ضرغامی خسروی و دیگران، ۱۳۹۹:۹)

عوامل عمده ای که باعث گسترش ایران هراسی از دیدگاه اسرائیل شده است به چند بخش تقسیم می شوند:

۱- عوامل ماهیتی که خود بر دو بخش تقسیم می شوند: الف: رویکرد ظلم ستیزی و حمایت از مظلوم و حقوق مسلمان، در سیاست خارجی دولت جمهوری اسلامی ایران، که در بالا به آن اشاره گردیده است. ب: ژئوپلیتیک ایران (هراس اسرائیل از قدرت گیری روزافزون ایران در منطقه با توجه به دارا بودن مولفه های قدرت از جمله وسعت سرزمین، دسترسی به آبهای آزاد و...)

۲- عوامل تاکتیکی که خود شامل: الف) فعالیت های هسته ای جمهوری اسلامی ایران ب) امضای توافق برجام بین جمهوری اسلامی ایران و ۵+۱، موضوعی که بشدت باعث خشم اسرائیل و تلاش برای گسترش ایران هراسی شد. البته مخالفت و موضع خصمانه اسرائیل نسبت به برجام از زمان علنی شدن مذاکرات هسته ای تا پذیرش برجام از سوی بنیامین نتانیاهو بارها تکرار شد

۳- عوامل راهبردی؛ الف) حمایت جمهوری اسلامی ایران از جهاد اسلامی، حماس و حزب الله لبنان ب) گسترش عمق راهبردی ایران تا مرزهای اسرائیل با حضور نیروهای ایرانی در سوریه از زمان ظهور داعش تاکنون (آکینز، ۱۳۶۶: ۳۱)

نتیجه گیری

اسرائیل سیاست خارجی خود را علیه ایران تنظیم کرده و با مطرح کردن موضوع ایران هراسی، در صدد تضعیف موقعیت ایران در خاورمیانه است. اسرائیل با پرداختن به موضوعاتی مانند پرونده هسته ای، مخالفت با برجام، حمایت جمهوری اسلامی ایران از گروه های مقاومت اسلامی مانند حماس، جهاد اسلامی و حزب الله لبنان و همچنین حضور نیروهای ایران در سوریه با نگاه امنیتی، سعی در گسترش ایران هراسی دارد. از سوی دیگر، تل آویو با استفاده از کمک های آمریکا در زمان دونالد ترامپ، در تلاش برای جلب همکاری کشورهای عربی بود تا یک ائتلاف عبری، عربی، غربی را علیه جمهوری اسلامی ایران ایجاد نماید و به آن مشروعیت بخشد تا به کمک آن بتواند فشارهای زیادی را علیه ایران تحمیل کند. اتهام زنی های بسیار، علیه ایران در مورد انفجار تاسیسات نفتی شرکت آرامکو (۲۶ مرداد ۹۸) این موضوع را ثابت می کند. در حال حاضر اسرائیل با استفاده از شعار پردازی های دروغین در مورد فعالیت های صلح آمیز هسته ای جمهوری اسلامی ایران سعی در مخدوش کردن مقامات ایرانی دارد. در واقع آنچه که باعث نگرانی اسرائیل شده، راهبرد هسته ای ایران نیست، بلکه نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه است که باعث ترس و هراس اسرائیل شده است. در سند امنیت ملی سال ۲۰۲۰ اسرائیل بطور واضح به آن اشاره شده است. ضمن آسیب شناسی دقیق تصمیمات گذشته، می توانیم بهترین و صحیح ترین تصمیمات را برای تأمین حداکثری منافع ملی کشور ایران کسب نمود. منافع ملی واقعیتی عینی است که با منافع کل جامعه مطابقت دارد. این منافع به اشکال مختلف طبقه بندی می شود منافع ملی یک مفهوم غالب در سیاست خارجی تمام کشورها است که به جهت گیری ها سمت و سو بخشیده و سیاست ها را تنظیم می کند. پذیرش این اصل که منفعت ملی بالاترین ارزش یک واحد ملی است،

مستلزم اولویت کامل این معنا در مقام عمل و سیاستگذاری خواهد بود. در چارچوب منافع ملی زمانی که کشوری عزم خود را در سیاست خارجی تأمین منافع ملی قرار دهد، باید اهداف کوتاه مدت و بلندمدتی را در راستای منافع ملی طراحی و اجرا کند. در بحث منافع ملی علاوه بر بعد نظری، قابلیت اجرای آن نیز مطرح است تا حدی که تنظیم اهداف باید به گونه‌ای باشد که در عمل تمام اقدامات سیاست خارجی از سوی تمام نهادهای بوروکراتیک اعم از وزارت امور خارجه و دیگر وزارتخانه‌ها متوجه این اهداف باشد.

در عرصه سیاسی، نتانیاهو از مخالفان سرسخت ایران در رسیدن به سلاح هسته‌ای است و آن را مهمترین تهدید برای موجودیت و امنیت اسرائیل قلمداد می‌کند. اسرائیل را باید یکی از ایدئولوژیک‌ترین کشورهای دنیا محسوب نمود. بحث نژادپرستی اسرائیل نیز ملهم از ایدئولوژی خودبرتر بینی قوم یهود است. ایدئولوژی، آنچنان در ساختار سیاسی اسرائیل در هم تنیده شده که این کشور را فاقد قانون اساسی نموده است. اسرائیل، قانون اساسی ندارد و مجموعه‌ای از قوانین که از قانون‌های عمومی، برتر است با عنوان قانون پایه بجای قانون اساسی، عملی می‌کند. قانون اول اسرائیل، تورات است.

بلحاظ ایدئولوژی، مسئولین اسرائیل با ارجاع به بخش‌هایی از تفسیر فقهی تورات (تلمود) معتقد هستند که: «اگر کسی به قصد کشتن تو می‌آید، به پاخیز و در کشتن او پیش دستی کن!» که با استناد به این موضوع، مرتکب اقدامات خصمانه‌ی زیادی از جمله ترور دانشمندان هسته‌ای عراق، ایران و همچنین ترور رهبران حماس با دستور نتانیاهو در خاورمیانه شده‌اند. اسرائیل خود را قومی برتر می‌داند که بر دنیا حکومت خواهد کرد. که با این تفاسیر اگر از بعد ساختار سیاسی، حزب غالب دیگری بر اسرائیل حکوت نماید که دارای افکار ناسیونالیستی افراطی نداشته باشد باز هم بخاطر ایدئولوژی برتری قومیت اسرائیل و غصب نمودن زمین‌های مسلمانان در فلسطین توسط این رژیم که با ایدئولوژی و ساختار سیاسی ایران، عراق، محور مقاومت و کشورهای مسلمان دیگر در تضاد می‌باشد اما در حال حاضر هم اسرائیل با تکیه بر سنت ائتلاف با پیرامون، با ایجاد صلح و عادی سازی روابط با کشورهای مسلمان از جمله امارات و بحرین و حضور در منطقه قفقاز و سعی دارد معادلات خاورمیانه را بر هم بزند تا قدرت‌های منطقه‌ای همچون ایران، روسیه و ترکیه را به چالش بکشد. که این سه بعد طبعاً به هر قدرتی جدیدی در منطقه واکنش نشان خواهند داد. و این واکنش‌ها باعث ایجاد تنش و ناامنی در منطقه‌ای مخصوص ایران خواهد شد. ایران باید بیش از پیش به گسترش روابط دیپلماسی خود در منطقه به ویژه با کشورهای مسلمان اقدام نماید و نباید متکی به یک عامل نظامی بعنوان قدرت بازدارنده باشد. موفقیت دیپلماسی تابع قواعدی است که از جمله آنها، دیپلماسی باید عاری از روح جنگاوری باشد که از اشتباهات اخیر ایران، قطع روابط دیپلماتیک با کشور مسلمان عربستان و به سردی گرائیدن روابط با آذربایجان بود. جمهوری اسلامی ایران پس از استقلال جمهوری آذربایجان، بدلیل قومیتی و نگرانی از قوت یافتن ناسیونالیسم ترکی در شمال و غرب ایران، از گسترش روابط با آذربایجان کاست که منجر به گرایش آذربایجان به اسرائیل گردید که حاکی از عملکرد ضعیف ایران در بحث

همسایه شمالی بود. در بحث عربستان و امارات نیز علیرغم وجود تضادهای ریشه دار مذهبی، به همین منوال است و کاستن از تضادها و افزودن بر اشتراکات (دینی، انسانی) می تواند راهگشا باشد و از قدرت گیری اسرائیل و پرشمار شدن تعداد حامیان و متحدان اسرائیل در منطقه، بکاهد.

منابع و مراجع

- انور علیوند، احمد علی، (۱۳۷۶)، نظام بین الملل و بحران بوسنی و هرزگوین، پایا نامه کارشناسی ارشد دانشکده وزارت امور خارجه .
- آکینر، شیرین، (۱۳۶۶)، اقدام مسلمانان اتحاد شوروی، ترجمه‌ی علی خزعلی، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۶۶ .
- پایگاه تحلیل خبری ایران بالکان (ایرنا)
- پهلوانی، عبدالکریم، (۱۳۷۸)، «فلسطین و ایران؛ آرمان ها و واقعیت ها»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۱۷ .
- جعفری ولدانی، علی اصغر، (۱۳۸۳)، ژئوپلتیک جدید دریای سرخ و خلیج فارس، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل وزارت امور خارجه .
- حاجی یوسفی، امیر محمد، (پاییز ۱۳۸۲)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نسبت به اسرائیل، برداشت دوم، سال اول، شماره ۲ .
- دهشیری، محمدرضا، (تابستان ۱۳۸۰)، چرخه‌ی آرمانگرایی و واقع گرایی در سیاست خارج جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاست خارجی، سال پانزدهم، شماره ۲ .
- ره پیک حسین، (۱۳۷۸)، مقاله « منافع، ایدئولوژی و رفتار ایدئولوژیک»، پژوهشکده مطالعات راهبردی .
- سایت ایرنا ۵- سایت انتخاب ۶- مقالات سایت دیپلماسی ایرانی ۷- سایت ویکی پدیا
- سعادت، رضا (۱۳۹۱): سیر تحول اطلاعاتی رژیم اسرائیل، تهران، انتشارات دانشکده اطلاعات
- سمیرا ضرغامی خسروی و دیگران، تاثیر پروژه ایران هراسی در راهبرد منطقه ای جدید اسرائیل، فصلنامه مطالعات بین المللی، سال ۱۶، شماره ۴ (۶۴)، بهار ۱۳۹۹
- شلومو زند، ترجمه ی احد علیقلیان، (۱۳۹۸): اختراع قوم یهود، تهران، انتشارات فرهنگ نشرنو با همکاری نشر آسیم
- فلاحی، علی، (پاییز ۱۳۸۰)، «سازنده گرایی در سیاست خارجی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۲۱ .
- قنبرلو، عبدالله، (۱۳۸۷) «بررسی رویکردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از منظر ساختار - کارگزار»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال یازدهم، شماره ۲ .
- گرشوم شولم، ترجمه ی فریدالدین رادمهر، (۱۳۸۵): جریانات بزرگ در عرفان یهودی، تهران، انتشارات نیلوفر
- متقی، ابراهیم، (۱۳۸۲)، ایدئولوژیک گرایی و صدور انقلاب در سیاست خارجی جمهوری اسلامی، فصلنامه سیاست خارجی، سال هفدهم، شماره ۴ .
- مدنی، سید جلال الدین، (۱۳۶۱)، تاریخ سیاسی ایران، جلد اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی .
- Rosina, James, N. (1964), *International structure, national force and the balance of power; international politics and foreign policy*, ed., James . N Rosina, New York.
- Went, Alexandre (summer 1987), The agent structure problem in international policy, *International Organization*, 41, 3.